

پژوهش‌های قرآن و حدیث

Quranic Researches and Tradition
Vol. 53, No. 2, Autumn & Winter 2020/2021

سال پنجاه و سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۳۵۳-۳۷۵ (مقاله پژوهشی)

DOI: 10.22059/jqst.2021.315782.669658

تحلیل دیدگاه‌های رجالیان دربارهٔ زمینه‌های تضعیف «أحمد بن محمد سیاری»

مرضیه شم آبادی^۱، بی بی زینب حسینی^۲، علیه رضاداد^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۲۳-۹۹/۱۰/۱۲)

چکیده

شناخت راویان مشترک در اسناد مشکله، همواره یکی مهمترین دغدغه‌های رجالیان است. یکی از پرسامدترین راویان مشترک «أحمد بن محمد» است، این نام در مقطع زمانی صحابهٔ امام جواد(ع) تا امام حسن عسکری(ع) در بین سه راوی مشترک است که عبارتند از: أحمد بن محمد بن خالد برقی، أحمد بن محمد بن عیسیٰ اشعری قمی و أحمد بن محمد بن سیار. دو راوی نخست از بزرگان راویان ثقهٔ شیعه به شمار می‌روند، اما «أحمد بن محمد بن سیار»، از راویان غلات و فاسد المذهب است. در این پژوهش با استفاده از روش مطالعهٔ تاریخی و رجالی دربارهٔ شخصیت سیاری و مقایسهٔ تطبیقی مشایخ و راویان او با أحمد بن محمد بن خالد برقی و أحمد بن محمد بن عیسیٰ اشعری قمی، احتمال سیاری بودن أحمد بن محمد در ارزیابی سندی روایات، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: أحمد بن محمد بن سیار، راوی مشترک، ضعیف، غلو، کاتب.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان؛ ایران.

Email: m.shamabadi1357@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران (نویسندهٔ مسئول)؛

Email: zhosseini1400@gmail.com

Email: a.rezadad@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران؛

تبیین مسئله

یکی از موضوعات مهم در دانش رجال، شناخت راویان مشترک است، در میان راویان مشترک، أحمد بن محمد، نامی است که در بیش از سی راوی اشتراک دارد [۸۵، ج ۳، ص ۱۱۳] Y این نام در قرن سوم هجری در طبقه صحابه امام جواد(ع) تا امام حسن عسکری(ع) در بین سه راوی مشترک بوده است [۴۹، ص ۱۹۴] و احتمال اشتراک «أحمد بن محمد بن سیار»، راوی غالی و فاسد المذهب، در این اسناد اگر چه اندک، ولی به دلیل همزمانی و همنامی وی، با أحمد بن محمد بن خالد برقی و أحمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، به ویژه در روایاتی که شواهدی از غلو در آن دیده می‌شود، وجود داشته است. أحمد بن محمد بن سیار، یکی از راویان مشترک بین راویان شیعه و اهل سنت نیز هست [۷۱، ص ۲۰۳؛ ۹۷، ج ۱، ص ۳۲۷؛ ۸۲، ج ۲، ص ۱۰۹؛ ۳۲، ج ۱، ص ۱۶۵؛ ۲، ج ۳، ص ۳۲۷]. این نام در کتب روایی و منابع رجالی شیعه و اهل سنت با عناوینی نظیر «أحمد بن محمد بن سیار» [۹۵، ص ۸۰]، «أحمد بن سیار»، [۷۱، ص ۲۰۲؛ ۱۱، ج ۶، ص ۸۵] «أحمد بن محمد السیاری» [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵؛ ۱۵، ج ۳۷، ص ۸۳] T آمده و داوری رجالی درباره این نام‌ها نیز بین توثیق و تضعیف متفاوت است [۹۸، ج ۱۹، ص ۱۱۱؛ ۹۵، ص ۸۰].

بنابر آنچه در تحلیل شخصیت «سیاری» گفته خواهد شد، «أحمد بن محمد سیاری» شخصیتی ضعیف و غیر ثقه است؛ بنابراین در بررسی سندی روایاتی که نام «أحمد بن محمد» به صورت مشترک در آن آمده است، باید به احتمال اشتراک سیاری هرچند به صورت اندک، به ویژه در کتاب‌هایی مانند: بصائر الدرجات، المحاسن، الخرائج و الجرائح، تحف العقول، نیز توجه داشت. البته مامقانی، کاظمی و طریحی تصریح کرده‌اند؛ هنگامی که روایتی از طریق، محمد بن یحیی، الجبائی، علی بن محمد بن عبد الله، الحسین بن محمد، ابراهیم النهاوندی، ابراهیم بن إسحاق الأحمر، علی بن محمد بن بندار و أحمد بن محمد بن عیسی، از «أحمد بن محمد» نقل شده است، باید «أحمد بن محمد بن سیار» را جزء راویان مشترک در این نام به شمار آورد [۸۸، ج ۷، ص ۳۵۱؛ ۶۶، ص ۱۰۰؛ ۸۱، ص ۱۷۷]؛ لیکن در ارزیابی‌های سندی، عموماً درباره «أحمد بن محمد»، موضوع اشتراک بین ثقات را مطرح کرده‌اند و به احتمال اشتراک بین ثقه و ضعیف، یعنی وجود احتمال سیاری بودن «أحمد بن محمد»، اعتنایی نکرده‌اند [۴۹، ص ۱۹۴؛ ۲۷، ج ۱، ص ۳۴۴؛ ۸۸، ج ۸، ص ۱۲۰؛ ۶۱، ج ۱، ص ۳۹]. نرم‌افزار درایة‌النور نیز که امروزه به عنوان مرجعی برای ارزیابی سندی روایات به شمار می‌آید، این حلقه در اسناد را با وجود

اشتراک، توثیق نموده است. توضیح آنکه اگر احتمال اشتراک یک راوی ضعیف در راویان مشترک وجود داشته باشد، نتیجهٔ ارزیابی سندی تابع *أخسّ* مقدمات است و سند ضعیف خواهد بود [۶۴، ص ۸۷؛ ۱۴، ج ۱، صص ۳۴-۳۵؛ ۵۸، ج ۱، ص ۱۲۱].

نکتهٔ مهم دیگر در این باره، حجم روایاتی است که با نام «أحمد بن محمد» در این طبقه آمده و در حدود بیش از ۷۰۰۰ سند روایت از روایات فقهی، اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، تاریخی و غیره است که [۵۰، ج ۲، ص ۲۰۷] تنها از طریق «أحمد بن محمد» از علی بن حکم، بیش از سیصد روایت در کتب حدیثی شیعه دیده می‌شود [۳۶، ج ۹، ص ۶۱].

البته آنچه در اسناد روایات با نام «أحمد بن محمد بن سیّار»، یا «أحمد بن محمد السیّاری»، در کتب حدیثی شیعه ورود یافته، چندان زیاد نیست و شاید به ۱۰۰ روایت هم نرسد، بیشتر این روایات از کتاب‌های *القراءات*، *النوادر*، *فضائل القرآن* و *الطب وی در کتبی نظیر الکافی* [۸۶، ج ۱، ص ۲۴؛ ۶، ج ۸] و روایات محدود دیگری نیز از طریق کتاب‌های *فضائل القرآن* و *القراءات* در تفاسیر روایی ورود یافته است [۷۸، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ۳۰، ج ۱، ص ۱۳۴؛ ۶۵، ج ۱، ص ۱۴].

بر این اساس باید این مطلب را مورد بررسی قرار داد که آیا احتمال سیّاری بودن راوی مشترک با نام «أحمد بن محمد»، احتمال معتنی به است؟ در پی پاسخ به این پرسش، مطلب دیگری که مطرح می‌گردد این است که قضاوت رجالی، دربارهٔ این راوی مشترک در اسناد چیست و توجه به شخصیت و اقدامات «سیّاری» می‌تواند در ارزیابی سندی اهمیت داشته باشد؟

در این پژوهش برآنیم تا با بررسی و تحلیل آراء رجالیان شیعه و اهل سنت به بررسی شخصیت تاریخی «سیّاری»، پرداخته و بر اساس آن به نقد دیدگاه‌های رجالیان دربارهٔ وی و پاسخ به پرسش‌های فوق بپردازیم.

پیشینهٔ پژوهش

تاکنون دربارهٔ «سیّاری» و شخصیت وی، برخی مقالات، نوشته شده است، مانند: «السیّاری و کتاب *القراءات*»، اثر عبدالزهره؛ همچنین در کتب رجالی، به ویژه کتب رجالی متأخر به موضوع تضعیف «سیّاری» پرداخته شده است، لیکن تاکنون، پژوهشی دربارهٔ احتمال اشتراک «سیّاری» در راویان مشترک با نام «أحمد بن محمد» و شناخت زمینه‌های تضعیف وی صورت نگرفته است.

ضرورت موضوع

شناخت روایات معتبر اهل بیت (ع) و تمییز صحیح از سقیم و فهم روایات، همواره در طول تاریخ یکی از مهمترین دغدغه‌های دانشمندان شیعه بوده است، اگر احتمال وجود راوی غالی و فاسد المذهبی، مانند: سیاری، در بین راویان مشترک با نام «أحمد بن محمد» در اسناد این هفت هزار حدیث، هر چند به صورت اندک به اثبات برسد، روایاتی که در نام «أحمد بن محمد» مشکل اشتراک سندی دارد و متن روایت دارای آثاری از غلو است، بایستی مجدداً، از جهت امکان تحریف و یا درج در متون حدیثی بازبینی و پالایش گردد. طرح و بررسی این امکان یک ضرورت رجالی در مطالعه اسناد مشکله است. از این رو، ضروری است دیدگاه رجالیان درباره «أحمد بن محمد سیار» واکاوی شود تا راهبردهایی در جهت بررسی اسناد دارای اشتراک نام «أحمد بن محمد» به دست آید و متون حدیثی از آسیب اندیشه‌های انحرافی و غلوآمیز وی حفظ گردد.

روش پژوهش

در این پژوهش، تلاش بر آن است که با بررسی طرق اسناد و متون روایی منتقله از طریق «أحمد بن محمد»، احتمال اشتراک «أحمد بن محمد بن سیار» مورد بررسی قرار گیرد. شناخت طبقه قبل و طبقه بعد راوی مشترک از راه کارهای تمییز راویان مشترک است [۸۸، ج ۲، ص ۱۷۰]. در این پژوهش، از هر دو روش، برای اثبات اشتراک «أحمد بن محمد بن سیار» استفاده می‌شود. یعنی هم راویان طبقه قبل و طبقه بعد با اسنادی که نام «سیاری» در آن وجود دارد، مقایسه می‌شود و هم با شناخت دقیق‌تر شخصیت این راوی در کتب رجالی شیعه و اهل سنت و مقارنه رجالی بین راویان شیعه و اهل سنت، تحلیل جامعی از شخصیت این راوی ارائه می‌گردد. این مسئله بدان جهت است که اگر چه احتمال اشتراک «سیاری»، در روایات منتقله از نام «أحمد بن محمد»، شاید در ۷۰۰۰ حدیثی منتقله از طریق نام «أحمد بن محمد» حدود ۱ درصد باشد، ولی وجود همین مقدار، به دلیل انگیزه و تبحر راوی در جعل و یا درج در متن روایات، می‌تواند، آثار مخربی داشته باشد و شناسایی آن ضروری است.^۱

۱. البته باید توجه داشت در موارد تعلیق سند و حذف نام «أحمد بن محمد»، نیز باید این احتمال در نظر گرفته شود.

تحلیل دیدگاه‌های رجالیان دربارهٔ «سیّاری» در منابع رجالی شیعه

«أحمد بن محمد بن سیّار»، یکی از راویان پرکار^۱ و از صحابهٔ امام جواد(ع) است، او کاتب و از بزرگان طاهریان و دربار عباسی [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵] و به گفتهٔ شیخ طوسی و نجاشی، نویسنده و نقل‌کنندهٔ کتاب‌های حدیثی بسیار بود [۹۵، ص ۸۰؛ ۶۸، ص ۵۷]، رجالیان متقدم و متأخر شیعه بر ضعف و فساد مذهب وی، اتفاق نظر دارند و در روایتی منقول از امام جواد(ع) آمده است: «از او چیزی نگیرید زیرا وی در مقامی که ادعا می‌کند نیست» [۸۴، ص ۸۴؛ ۹۵، ص ۸۰؛ ۶۸، ص ۵۷؛ ۱۶، ص ۱۳۰؛ ۷۱، ص ۲۶۹؛ ۳۷، ص ۵۶۸؛ ۲۲، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ۸۸، ج ۷، ص ۳۵۱؛ ۶۳، ج ۱، ص ۶۱۱؛ ۵، ج ۳، ص ۷۲؛ ...].^۲ در کتب فهرست، کتاب‌هایی با عناوین: النوادر، الطب، القراءات، فضائل القرآن، الزهد، الغارات، ... به وی منسوب شده است [۶۸، ص ۵۷؛ ۲۴، ج ۱، ص ۱۶۰]، که کتاب القراءات وی موجود است و محقق یهودی إتان کلببرگ، بر این کتاب مقدمه‌ای نوشته و با تحقیق وی به چاپ رسیده است. با آنکه رجالیان شیعه، بر ضعف این راوی با عناوین «فاسد المذهب»، «الغالی»، «المجفو الروایة»، «کثیر المراسیل و التخلیط» و غیره تصریح کرده‌اند [۸۴، ص ۸۴؛ ۹۵، ص ۸۰؛ ۶۸، ص ۵۷؛ ...]، لیکن روایات وی در کتب حدیثی شیعه و تفاسیر، به ویژه در قرائات منسوب اهل بیت(ع)، موجود است [۷۴، صص ۷-۵۷].

آنچه در شرح حال مختصر «أحمد بن محمد بن سیّار» آمده، حاوی نکات مهمی است که به یافتن میراث پنهان روایی وی و اعتبارسنجی روایاتش کمک می‌رساند. در بین توصیفات رجالیان توصیف نجاشی از بقیه توصیفات کامل‌تر بوده و معیار بررسی ما قرار می‌گیرد: نجاشی در شرح حال «سیّاری» چنین می‌نویسد: «أحمد بن محمد بن سیّار أبو عبد الله الکاتب، بصری، کان من کتّاب آل طاهر، فی زمن أبی محمد علیه السلام و يعرف بالسیّاری، ضعيف الحدیث، فاسد المذهب ... مجفو الروایة [مخلّط]» [۹۵، ص ۸۰].

به منظور تبیین شخصیت «أحمد بن محمد بن سیّار»، باید مفاهیم کلیدی این عبارت و نکات مهم مربوط به زندگانی او را به دقت مورد واکاوی قرار دهیم؛ این مفاهیم عبارتند از: نام «أحمد بن محمد»، شغل و حرفهٔ کتابت، از خاندان آل طاهر، لقب سیّاری،

۱. منظور از پرکار بودن این راوی، به این معنا نیست که روایات زیادی از وی، در جوامع حدیثی معتبر شیعه وجود دارد، بلکه منظور آن است وی، اولاً کتاب‌های حدیثی زیادی داشته است، ثانیاً تلاش گسترده‌ای از طریق سفرهای خود برای نشر روایاتش کرده است.

۲. تنها کسی که تضعیف وی را به دلیل نقل محدثان بزرگی چون کلینی، شیخ طوسی، صفّار از او محل اشکال دانسته، محدث نوری است [۹۸، ج ۲۴، ص ۵۰].

مذهب، زمان وفات، مکان جغرافیایی زندگی، غالی بودن، ارتباط با مأمون عباسی، میزان فعالیت، توثیق یا تضعیف توسط رجالیان.

– نام «أحمد بن محمد»

در کیفیت دقیق نام «سیّاری» در کتب رجال شیعه، اختلاف تعبیر وجود دارد، او را «أحمد بن محمد بن سیّار» [۹۵، ص ۸۰؛ ۶۸، ص ۵۷؛ ...]، «أحمد بن محمد السیّاری» [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵؛ ۷۹، ج ۱، ص ۱۵۰؛ ...]، «أحمد بن محمد من ولد سیّار» [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵؛ ۸۸، ج ۷، ص ۳۵۴؛ ...] و حتی به اشتباه «أحمد بن محمد البصری» معرفی کرده‌اند [۵۰، ج ۳، ص ۱۴]. در کتب رجال اهل سنت نیز، در کیفیت نام «أحمد بن سیّار» اختلاف تعبیر وجود دارد [۵۲، ج ۶، ص ۲۶۵؛ ۱۲، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ...]؛ وی را «أحمد بن سیّار» و «أحمد بن محمد بن أحمد بن سیّار» گفته‌اند [۱۷، ص ۸۳].

در کتاب *رجال علامه حلی*، «أحمد بن سیّار» همان «أحمد بن محمد بن سیّار» معرفی شده است [۷۱، ص ۲۰۳]؛ اگر چه وی در کتاب دیگر خود، *ایضاح الإشتباه*، نام «أحمد بن محمد بن سیّار» را به عنوان راوی شیعه بیان کرده است [۴۴، ص ۹۸]، ولی این دو مسئله با هم تناقضی ندارد. یکی از ویژگی‌های رجالی علامه حلی آن است که نسبت به راویان اهل سنت شناخت کامل داشته است، همچنین در به دست آوردن سال‌های حیات راویان بسیار تلاش کرده است [۴۰، ص ۱۵۵-۱۶۴]. بنابراین ایشان در کتاب *ایضاح الإشتباه* نام مشهور این راوی را در بین محدثان شیعه بیان کرده، ولی در کتاب *رجال* خود تصریح نموده که «أحمد بن سیّار»، کاتب طاهریان، در بصره بوده است. همچنین مرتضی بسّام، به صراحت می‌گوید: «من می‌گویم این همان أحمد بن سیّار است»^۱ [۳۲، ج ۱، ص ۱۶۵]؛ همچنین آیت الله نمازی شاهرودی نیز، «أحمد بن سیّار» را همان «أحمد بن محمد بن سیّار» معرفی کرده‌اند [۹۷، ج ۱، ص ۳۲۷]. برخی نیز تلویحاً به این موضوع اشاره کرده‌اند [۲، ج ۳، ص ۳۲۷].

در هر صورت، با توجه به غالی و باطنی بودن «سیّاری»، می‌توان دلیل این اختلاف شدید نام وی را دریافت، زیرا معرفی با نام‌های متفاوت، یکی از راهبردهای غلات، در نشر اندیشه‌های باطنی‌شان بوده است [۹۴، ص ۱۸]. در اینجا نیز به نظر می‌رسد، نام دقیق وی بایستی همان «أحمد بن سیّار» باشد.^۲

۱. أحمد بن سیّار؛ أقول: هو أحمد بن محمد بن سیّار «المجهول» المتقدم.

۲. زیرا در بین شیعه نسب او مجهول [۳۲، ج ۱، ص ۱۶۴] و در بین اهل سنت نسب وی روشن است. أحمد بن سیّار بن ایوب بن عبدالرحمن [۳، ج ۲، ص ۵۳]. طبیعی است که اطلاع از نام دقیق پدر سیاری برای محدثان و رجالیان شیعه به دلیل بعد جغرافیایی بوم‌ها و حوزه‌های فعالیت وی چندان میسر نباشد و او را با نامی شناسانده‌اند، که وی خود را بدان نام معرفی کرده است.

- لقب سیّاری

«أحمد بن محمد بن سیّار»، اگر چه در مرو به دنیا آمده است، لیکن جدّ وی منسوب به قریه سیّار است، سیّار یا سیاز نام قریه بخارا است [۲۱، ج ۴، ص ۵۰۹؛ ۲۶، ج ۱، ص ۲۹۸]. مرو و بخارا در منطقهٔ ماوراءالنهر واقع شده است که ساکنان آن پیش از اسلام، بیشتر یهودی و بخشی هم مسیحی و زردتشی بودند، این منطقه در زمان حکم بن عمرو غفاری در سال ۴۵ هجری به دست مسلمانان فتح شد [۸۳، ص ۳۲۳؛ ۴۷، ص ۷۱]. بخشی از یهودیان و مسیحیان این منطقه که به زور مسلمان شدند، به تصوف و خرقه‌پوشی روی آوردند. برخی از متصوفه بر این باور بودند که به خاطر شرارت بنی اسرائیل ایشان تحت سیطرهٔ مسلمانان درآمدند، ولی همچنان به ظهور منجی از بنی اسرائیل یقین داشتند. ایشان خرقهٔ پشمینه را به عنوان نمادی که ایشان را در آخرالزمان، در سلک یاران موعود و منجی قرار می‌دهد، استفاده می‌کردند، چون معتقد بودند، حمایت الهی به کسانی از بنی اسرائیل که این خرقه را بپوشند، تعلق خواهد گرفت [۷۶، صص ۱۱۸-۱۲۸]. این خرقهٔ پشمینه یک جامهٔ مسیحی به شمار می‌آمد [۸۷، ص ۲۷۹]. یکی از مهمترین حرفه‌های این گروه، کتابت بود که از طرف حکومت عباسی در قرن دوم و سوم هجری در سطح وسیعی به کار گرفته شدند [۳۹، ص ۷۷؛ ۳۰، ص ۲۳۰].^۱

بنابراین «أحمد بن محمد بن سیّار» که از همین خاندان است و از زمرهٔ غالیان به شمار آمده، یک راوی، با مأموریت مشخص نشر تعالیم باطنی است. برخی این اسلام آوردن ظاهری کاتبان را جریانی هدفمند جهت اضلال مسلمانان دانسته‌اند [۶۲، ص ۲۳۲] و قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره کرده است: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ» [آل عمران: ۶۹]^۲، و البته شواهد متعددی بر این مسئله در طول تاریخ اسلام دیده می‌شود. بنابراین شاید بتوان علت تظاهر به تشیع افرادی چون خصیبی، محمد بن نصیر و یا احمد بن محمد بن سیّار را بهتر دریافت. به نظر می‌رسد هدف ایشان از تظاهر به تشیع، نزدیک شدن به جامعهٔ محدثان شیعه و بهره‌گیری از پوشش

۱. باید توجه داشت اصطلاح متصوفه، متأخر از غلات بوده است و متصوفه پس از شکل‌گیری به عنوان یک جریان اندیشهٔ عرفان اسلامی، در بسیاری از اندیشه‌های غالیه بازنگری کردند و برخی حتی فرقهٔ سیاریه را دیگر یک فرقهٔ عالی صوفی نمی‌دانند. ولی ریشه‌ها و منشأ پیدایش فرق متصوف در قرن دوم هجری را بایستی در گروه‌های غلات جستجو نمود. چنانچه برخی متصوفه را جزء فرق باطنی و غلات به شمار آورده‌اند [۹۰، ج ۱، ص ۱۸؛ ۴۱، ج ۱، ص ۶۵۰؛ ۶۹، ج ۸، ص ۱۸۱؛ ۲۴، ج ۳، ص ۱۱۷].

۲. ترجمه: جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند.

راوی - چنانچه آیرن فرایمن در مورد خصیبه نیز می‌گوید- جهت نشر و اشاعه اندیشه‌های باطنی بوده است. ایشان با سفرهای بسیار، روایات خود را در گفتمان شیعی وارد کردند [۷۵، صص ۱۳۷-۱۷۰].

یکی از نکات دیگری که در ارتباط با لقب «سیّاری» باید بدان توجه داشت، آن است که اگرچه همان‌طور که نجاشی، شیخ طوسی، ابن غضائری درباره «أحمد بن محمد بن سیار»، تصریح کرده‌اند «أحمد بن محمد بن سیار» با لقب «سیّاری» شناخته می‌شده است، اما باید توجه داشت، این عبارت نجاشی، حصری در ذکر لقب سیّاری برای «أحمد بن محمد بن سیار» ندارد، بلکه همان‌طور که خود نجاشی و دیگران نیز تصریح کرده‌اند، وصف‌های دیگری مانند: ابو عبدالله، الکاتب، البصری، اصفهانی، قمی نیز درباره او آمده است. بنابراین این‌که تصور شود، روایات وی همیشه با نام «سیّاری» همراه بوده تصور صحیحی نیست.

و همان‌طور که در موارد دیگر انگیزه‌های مختلفی مانند: رعایت اختصار در سند، روشن بودن راوی به قرینه، تدلیس در سند، عدم دقت راوی، ... سبب ذکر نام راوی به صورت مشترک می‌شده است [۶۶، ص ۱۵۱]، در مورد سیّاری نیز ممکن است به دلایل نامبرده، راوی، نام «أحمد بن محمد» را به صورت مشترک ذکر کرده و مقصود وی همان «سیّاری» بوده است، به همین دلیل برخی رجالیان، احتمال سیّاری بودن راوی مشترک، «أحمد بن محمد» را منتفی ندانسته‌اند [۸۸، ج ۷، ص ۳۵۱؛ ۶۶، ص ۱۰۰؛ ۸۱، ص ۱۷۷].

- دوره زمانی

در کتب رجال شیعه و اهل سنت گزارش‌های متفاوتی از سال وفات وی در دست است. در کتب شیعه برخی وی را صحابی امام موسی کاظم(ع) (۱۲۸-۱۸۳) و امام رضا(ع) (۱۴۸-۲۰۳) [۹۲، ص ۴۶۶]، برخی صحابه امام جواد(ع) (۱۹۵-۲۲۰) [۸۸، ج ۷، ص ۳۵۴] و برخی وی را صحابی امام هادی(ع) (۲۱۲-۲۵۴) و امام حسن عسکری(ع) (۲۳۳-۲۶۰) [۷۲، ج ۷، ص ۵۳۳؛ ۹۸، ج ۸، ص ۵۱۷؛ ...] معرفی کرده‌اند. برخی حتی سال وفات وی را سال ۳۶۸ هجری ذکر کرده‌اند [۷۲، ج ۲، ص ۳۱۹] که به نظر می‌رسد احتمالاً به خاطر مناظره شیخ مفید با «أحمد بن سیّار، قاضی ابوبکر صیمری» یک نفر پنداشته‌اند [۵۲، ج ۸، ص ۲۸۴]. ولی روایت کردن وی از أباصلت هروی و امام جواد(ع)، و سخن امام جواد(ع) درباره وی و همچنین طبقه وی در اسناد که بعد از علی بن حکم و حسن بن علی بن فضال است، نشان می‌دهد گزارشی را باید درباره سال‌های حیات وی بپذیریم که تولد وی را سال ۱۹۸ هجری و وفات وی را ۲۶۸ معرفی کرده است.

یعنی کودکی و جوانی وی معاصر امام جواد(ع) و سالمندی وی معاصر امام حسن عسکری(ع) بوده است [۱۲، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ۸۸، ج ۷، ص ۳۵۴]. در *مخطوطه القراءات سیّاری*، در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی، نیز تصریح شده که وی در قرن دوم و قرن سوم یعنی همان سال‌های ۱۹۸ تا ۲۶۸ می‌زیسته است [۵۶، ج ۳، ص ۶۱۵]. در بین اهل سنت، نیز دو گزارش از سال وفات «أحمد بن سیار» دیده می‌شود، نخست گزارش نوّهٔ دختری او قاسم بن قاسم مروزی که سال وفات جدش را سال ۲۲۸ دانسته [۹۹، ج ۱، ص ۱۱۳]، ولی گزارش مورد اتفاق محققان اهل سنت، وفات أحمد بن سیار سال ۲۶۸ است. با توجه به اینکه در این کتب، وی پسر کنیز مأمون و متولد مرو معرفی شده، سال‌های حیات این راوی در بین اهل سنت نیز، همان سال‌های ۱۹۸ تا ۲۶۸ هجری است و عمر وی را هفتاد سال و سه ماه دانسته‌اند [۱۵، ج ۷۱، ص ۶۵].

– بوم جغرافیایی

گزارش‌هایی که از سیّاری در منابع شیعی وجود دارد، نشان‌دهندهٔ حضور وی در قم، کوفه، بصره، اصفهان، شام و مصر است [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵؛ ۱۶، ص ۴۰؛ ۲، ج ۳، ص ۳۲۷]. ولی «نجاشی» مرکز اصلی فعالیت وی را «بصره» معرفی کرده است [۹۵، ص ۸۰]. این راوی در منابع اهل سنت، کثیرالسفر معرفی شده است [۱۱، ج ۸، ص ۵۴]، و در کتب رجال شیعه نیز، گزارش‌ها حکایت از سفرهای وی به مناطق مختلف جهان اسلام به ویژه ایران، عراق و شام دارد [۱۶، ص ۴۰؛ ۲، ج ۳، ص ۳۲۷] و حتی وی با القاب بصری، اصفهانی و مصری معرفی شده است [۹۵، ص ۸۰؛ ۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵؛ ۱۶، ص ۴۰]. در منابع اهل سنت، بصره یکی از مناطقی است که به گفتهٔ خود «أحمد بن سیار» در آن حضور داشته است [۴۸، ج ۱۰، ص ۳۲۰]. نکته‌ای که در بصره به عنوان مرکز فعالیت «سیّاری» باید به آن توجه داشت آن است که بصره مرکز شروع جریان تصوف اسلامی بوده است [۹، ج ۱۱، ص ۱۶] و مهمتر آنکه روایات غالبانه توسط افرادی چون محمد بن نمیر، خصیبی، اسحاق بن محمد البصری، از بصره به شام رفته است [۷۲، ج ۲، ص ۲۴۱]. بصره مرکزی نظامی بوده و سیّاری و شاگردانش محمد بن نمیر و خصیبی احتمالاً تحت الحفظ در این شهر فعالیت می‌کردند [۲۳، ج ۱، ص ۴۰۹؛ ۸، ج ۴، ص ۲۴۹].

نکته‌ای که از سفرهای متعدد سیّاری به نقاط مختلف به دست می‌آید، بیانگر این است که سیّاری در تبلیغ و اشاعهٔ روایات خود تلاش بسیاری کرده، در حالی که راویان دیگر به صورت طبیعی معمولاً این وصف در موردشان وجود ندارد و دلیلی برای ترویج

روایات خود در شرق و غرب جهان اسلام نداشته‌اند. این سفرهای بسیار دارای چند اثر است: نخست گسترش روایات در مناطق مختلف مستند به کتب حدیثی که در دست وی موجود بوده است و دوم استفاده از عدم شناخت اطلاع محدثان مناطق مختلف از شخصیت و هدف واقعی وی از نشر روایات.

– مذهب سیاری

در کتب رجال شیعه به غالی بودن و فساد مذهب أحمد بن محمد بن سیار تصریح شده است [۸۴، ص ۸۴؛ ۹۵، ص ۸۰؛ ۶۸، ص ۵۷]. مذهب وی را باید باطنی دانست، چنانچه متصوفه، مذهب تصوف را مذهبی مستقل دانسته‌اند [۵۴، صص ۱۱۰-۱۳۳].

نکته‌ای که در کتب رجال اهل سنت درباره وی به آن تصریح شده، «جوال» بودن او به معنی خرقه‌پوشی است که یکی از نمادهای فرق باطنی و تصوف در قرون بعد بوده است [۲۱، ج ۴، ص ۴۳۳]. چنانچه او را با ابن مبارک، رئیس متصوفه در مرو مقایسه کرده‌اند و نوة وی، قاسم بن قاسم مروزی، قطب متصوفه در مرو بود [۵۳، ج ۱۴، ص ۱۴].^۱ به طور کلی، آنچه سبب تقویت غالی بودن وی می‌شود، مضمون روایاتی است که در منابع روایی از وی نقل شده و حاوی مضامین غلو است، نظیر روایات دال بر تحریف قرآن کریم. همچون روایاتی که تعداد آیات قرآن کریم را ۱۷ هزار آیه دانسته است^۲ [۶۰، ص ۹]؛ یا روایتی که به صراحت قائل به تحریف به زیادت و نقصان در قرآن کریم است و بر اساس آن قرآن کامل در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) به دست ما می‌رسد^۳ [۶۰، ص ۹].

۱. یکی از دلایل مهمی که سبب می‌شود احمد بن سیار، را همان احمد بن محمد بن سیار بدانیم، افزون بر تصریح رجالیون، سال‌های حیات، بوم‌های فعالیت، ...، مذهب این راوی است. در کتب رجال شیعه، مفهوم غالی و فساد مذهب که به وی نسبت داده شده است، دلالت بر باطنی بودن دارد. بنابراین، اینکه دو راوی همزمان با یک نسبت خاص مذهبی، در یک مقطع خاص و در یک حوزه مکانی فعالیت داشته‌اند، بدون آنکه تصریحی بر تمییز این دو راوی وجود داشته باشد، احتمال یکی بودن این دو راوی را تقویت می‌کند.

۲. القرآن الذی جاء به جبرئیل علیه السلام الی محمد صلی الله علیه و آله سبعة عشر الف آیه. عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: لولا أنه زيد في القرآن و نقص منه ما خفي حقنا على ذی حجی، و لو قد قام قائمنا فنطق صدقه القرآن.

۳. القرآن الذی جاء به جبرئیل علیه السلام الی محمد صلی الله علیه و آله سبعة عشر الف آیه. عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: لولا أنه زيد في القرآن و نقص منه ما خفي حقنا على ذی حجی، و لو قد قام قائمنا فنطق صدقه القرآن.

شغل و حرفهٔ سیاری

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک وی در کتب رجال شیعه و اهل سنت کاتب بودن اوست [۸۴؛ ص ۸۴]. در بین اهل سنت، او نخستین کسی است که کتاب‌های شافعی را به مرو برد، در آنجا عبدون بن محمد خواست کتاب او را ببیند، ولی وی امتناع کرد و این سبب شد که عبدون در جستجوی حدیث شافعی، به مصر سفر کند و به کتبی دسترسی پیدا کند که احادیث شافعی را به صورت «أكثر و أوجه» داشته است [۵۳، ج ۱۴، ص ۱۴]. این نشان می‌دهد، کتاب سیّاری و روایات وی دقیق نبوده است، چنانچه بین روایات سیاری با روایات معتبر شیعه نیز تفاوت‌های مهمی از جهت متن وجود دارد. ولی با این وجود، نصوص روایی و تاریخی، حاکی از جذاب بودن کتب وی، برای محدثان اهل سنت و شیعهٔ معاصر وی است [۵۱، ج ۱۱، ص ۴۴۷؛ ۹۳، صص ۱۳-۵۲].

نکتهٔ مهم دیگر در ارتباط با حرفهٔ سیاری، مسأله دیوان‌سالاری^۱ و ورود این فرهنگ به حوزهٔ علوم اسلامی به ویژه حدیث در قرن دوم و سوم هجری است که یکی از موضوعات مهم مورد بحث مورخان می‌باشد [۵۹، ص ۳۱۰]. سمت کاتب بودن در دوران حکومت عباسی به ویژه مأمون، آن قدر اهمیت داشت که همپای وزارت به شمار می‌آمد [۹۶، ص ۲۱۲؛ ۷۳، ص ۱۳۷]. حکومت عباسیان، با توجه به گستردگی سرزمین‌های اسلامی و افزایش نیازهای مختلف حقوقی، سیاسی جهت استیلا بر جامعهٔ اسلامی، از توانمندی‌های علمی، اجتماعی و سیاسی برآمده که در ایران، دیوان‌نویس بودند، در برابر عباسی بهره بردند [۱۸، ج ۱۰، ص ۶۰]. در این زمان وراقان و کاتبان، نسخ مختلفی از یک کتاب را فراهم می‌کردند، که گاه آن قدر اختلاف داشت که به حد تناقض می‌رسید و متأسفانه از جانب کاتبان اقدامات مختلفی چون زیادت، نقص، تحریف، الحاق و غیر آن

۱. دیوان‌نویسی یک روش آمارگیری و مالیات در حکومت‌های ایرانی بود که در دفاتری نام خاندانی را در سربرگ یک کتاب می‌نوشتند، سپس نام افراد آن خاندان ذیل آن ثبت می‌شد. در این روش همیشه بخشی به صورت خالی برای ثبت نام افرادی که به آن خاندان اضافه می‌شدند، وجود داشت و به تدریج نام افراد جدید به لیست مذکور اضافه می‌شد، یا نام افرادی که مالیات خود را می‌دادند در دفاتری ثبت می‌شد. این عمل را دیوان‌نویسی می‌نامیدند. نخستین بار عمر بن خطاب از این روش در تقسیم بیت‌المال استفاده کرد. [۵۹، ص ۳۱۷؛ ۱۰۰، ص ۲۳۷]، ولی در قرن دوم، همین روش به موضوعات مختلفی در تدوین علوم اسلامی به ویژه حدیث راه یافت [۱۰۱، ج ۱، ص ۲۶۸]؛ یعنی روایات بر اساس موضوعات یا نام راویان، در دیوان ثبت می‌شد و سپس روایات مرتبط با آن موضوع یا راوی در محل مختص به آن ثبت می‌شد [۵۹، ص ۳۱۰؛ ۱۰۰، ص ۲۳۲].

در نسخ رخ می‌داد. در این دوران، آن قدر کتاب، در دست عامه مردم اندک بود که دیدن یک نسخه کتاب، گاه امری نزدیک به محال بود [۶۲، صص ۲۲۹-۲۳۳]. بنابراین به گفته قیروانی، کاتب در تغییر و تحریف نسخه کتاب، کاملاً مختار و مخاطب ناچار به پذیرش بوده است و بسیاری از ایشان، به اسلام پایبندی نداشته‌اند [۸۰، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ۳۸، صص ۶۰۵-۶۱۹]. «أحمد بن محمد بن سیار»، نیز به عنوان کاتب دربار عباسی در اشاعه مضامین غلوآمیز و مطابق با عقاید باطنی از حرفه کتابت بهره گرفته است، یعنی آنچه مدنظر وی بوده، با بهره‌گیری از مسئله اشتراک در سند و درج در متن احادیث، به روایات راه پیدا کرده است [۷۰، ج ۳، ص ۱۱۷].

– ارتباط سیاری با آل طاهر

«أحمد بن محمد بن سیار»، در خدمت آل طاهر و از بزرگان ایشان بوده است [۸۴، ج ۲، ص ۸۶۵]. وی از خاندان نصر بن سیار است که توسط حسین بن طاهر والی سیستان شد و یحیی بن زید را کشت [۱۸، ج ۱۰، ص ۶]. خاندان سیاری، کاملاً در خدمت قدرت خاندان طاهری و عباسی قرار داشتند و خدمت‌گذار صادق و وفادار حکومت عباسی بودند [۲۶، ج ۱، ص ۳۰۵] و در جهت تقویت و پیشبرد اهداف حاکمان عباسی خدمات بسیاری کردند [۹۱، ج ۳، ص ۳۹۷]. طاهریان با شیعه دشمن بودند [۱۳، ج ۴، ص ۲۹] و اهل بیت علیهم‌السلام و برخی شیعیان از ایشان بیزاری می‌جستند [۸۴، ج ۲، ص ۸۰۲؛ ۶۳، ج ۶، ص ۴۱۴]. اگر چه به جهات سیاسی، طرفین برای یکدیگر احترامی ظاهری قائل می‌شدند [۱۳، ج ۴، ص ۲۹]. بنابراین اگر سیاری محدثی است که در خدمت ایشان است، همان‌طور که گفته شد، پسر کنیز مأمون است [۲۰، ج ۳، ص ۹۸؛ ۲۱، ج ۴، ص ۴۳۳] و در بصره پایگاه نظامی عباسیان، خدمت کرده و دارای منصب مهم و حکومتی کتابت بوده، همچنین با طبقه درباریان بنی‌العباس و مأمون و أباصلت هروی، در ارتباط بوده است [۹۰، ج ۱۸، ص ۷۵؛ ۲۳، ج ۱، ص ۴۰۹]. فرایند تحدیث وی نیز، در همین راستا، بایستی پی‌جویی شود. یکی از خدمات وی به خاندان عباسی، شیعی و مشروع جلوه دادن قرائت خلفای عباسی بود که قرآن را طبق قرائت مطرود کسائی و حمزه تلاوت می‌کردند [۴، ج ۵، ص ۷؛ ۴۸، ج ۱۴، ص ۱۵۲]. وی در کتاب القراءات، نخستین‌بار، قرائات حمزه و کسائی را به ائمه شیعه (ع) نسبت داد و آن‌را با مجموعه‌ای از روایات فضائل اهل‌بیت (ع) که در نزد شیعه مقبول بود، آمیخت و این کتاب را در تراث حدیثی شیعه وارد کرد [۴۳، صص ۷-۳۸].

– ارتباط با مأمون عباسی

«سیّاری» پسر کنیز مأمون عباسی بود [۲۱، ج ۴، ص ۴۳۳]. محل تولد وی با مأمون عباسی یک مکان یعنی همان مرو بود. برخی روایات وی نشان از ارتباط نزدیکش با مأمون عباسی دارد [۳۳، ج ۱۱، ص ۴۸]؛ مأمون عباسی مهمترین و تأثیرگذارترین حاکم عباسی بود، چنان‌که برخی مورخان که دوره‌های تاریخی را به نام برخی حاکمان تأثیرگذار می‌نامند، مانند عصر ناپلئون بناپارت، سال‌های ۲۰۰ هجری تا ۳۰۰ هجری را عصر مأمون دانسته‌اند [۵۵، ص ۲۱۳]. بنابراین لازم است دربارهٔ مأمون عباسی و تأثیرات مهم فرهنگی-دینی وی بر جامعهٔ اسلامی و به تبع، ارتباط آن با موضوع روایات سیّاری به برخی موضوعات اشاره شود. مأمون عباسی از کنیز ایرانی هارون‌الرشید که از باذغستان بود متولد شد [۱۰۲، ص ۲۳]. باذغستان مقر اسقف‌های نسطوری بود [۴۲، ص ۶۰۵]، وی در دامان جعفر برمکی رشد کرد که جوانی فرزانه و دانشمند بود [۱۰۲، ص ۲۴]، ولی هارون در سن ۳۸ سالگی وی را کشت. در دلیل قتل وی گفته‌اند، چون او یک رهبر باطنی بود و بر هارون‌الرشید روشن شد که وی تظاهر به اسلام می‌کند و مسلمان نیست [۳۵، ص ۱۳۶]. البته اگرچه بعید است که علت قتل برمکی، توسط هارون‌الرشید عدم اسلام وی باشد، اما نشان از تظاهر به اسلام برخی سران حکومت از یهودیان و مسیحیان در آن دوران دارد [۵۵، ص ۲۱۳]. اگر از این قرائن که می‌تواند بر تأثیرگذاری اندیشه‌های یهودی، مسیحی و باطنی بر شخصیت مأمون عباسی بگذریم، برخی موضوعات از مسلمات تاریخی است که می‌تواند شرایط فرهنگی و تاریخی آن دوران را نشان دهد. مأمون عباسی به سران ادیان مسیحی و یهودی اجازهٔ تبلیغ در جامعهٔ اسلامی به ویژه در عراق و خراسان داده بود و در مجالس خصوصی ایشان شرکت می‌کرد و ایشان را در مناصب مهم سیاسی و اداری به کار می‌گرفت، در حدی که به وی لقب «أمیر الکافرین» داده شد [۱۸، ج ۱، ص ۲۶۸؛ ۱۰، ج ۵، ص ۱۲۵]. برخی مورخان اهل سنت او را قائل به گفتگوی ادیان می‌دانستند. ولی برخی نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد، هدف وی گفتگوی بین ادیان نبود، بلکه وی به دنبال تأثیرگذاری اندیشه‌های باطنی یهودی و مسیحی، بر اندیشهٔ اسلامی بوده است، یکی از این قرائن مناظره‌ای است که وی بین امام‌رضا(ع) و سران مذاهب جهت تحقیر امام رضا (ع) برگزار نمود، اگر چه به هدفش نرسید [۷، ج ۱، ص ۱۹۲] و دیگری نهضت ترجمهٔ یک سوبه‌ای بود که آثار عرفا و فلاسفهٔ مسیحی و یونانی به عربی ترجمه شد، ولی تلاشی در جهت ترجمهٔ

آثار اندیشمندان مسلمان به زبان‌های لاتین و یونانی فراهم نگردید [۳۵، ص ۲۳۴؛ ۵۷، صص ۱۶۳-۱۹۰].

«سیّاری» با آنچه در مورد مصادر اندیشه‌های باطنی وی بیان گردید در چنین فضایی در جایگاه راوی فعال حضور یافته است و طبیعی است همسو با سیاست کلان مأمون عباسی، در جهت تأثیرگذاری بر اندیشه‌های شیعی، روایاتی بیان کند.

راهکارهای تعیین راوی مشترک و تثبیت احتمال «سیّاری»

الف) راهکارهای سندی

همان‌طور که در روش پژوهش بیان شد، روش شناخت و تمییز راویان مشترک چنانچه مامقانی گفته است؛ مقایسهٔ راویان قبل و بعد از راوی مشترک است. اگر در سندی احتمال سیّاری بودن «أحمد بن محمد» وجود داشته باشد، جهت تمییز راوی مشترک و تثبیت احتمال سیّاری در عنوان «أحمد بن محمد»، لازم است راویان قبل و بعد این راوی با راویانی که در آنها عنوان «سیّاری» به صراحت آمده است، مقایسه شود. بنابراین لازم است مشایخ و شاگردان «سیّاری» با مشایخ و شاگردان راویان مشترک با عنوان «أحمد بن محمد»، در همان طبقه، مورد مقایسه و بررسی قرار گیرد تا لزوم دقت در سند و متن این روایات با دقت بیشتری ارزیابی گردد.

با تتبع در طرق و تخریج اسناد روایات مختلف به ویژه روایات منقول از «أحمد بن محمد» و مقایسهٔ این طرق با کتاب *القراءات* «سیّاری»، ظنّ به سیّاری بودن در برخی اسناد که نام «أحمد بن محمد» در طرق مشابه آمده است، تقویت می‌شود.

جدول مقایسهٔ مشایخ «أحمد بن محمد»، در حالت اشتراک با حالت عدم اشتراک

تعیین نام احمد بن محمد	احمد بن محمد سیاری	احمد بن محمد خالد برقی	احمد بن محمد عیسی
نام شیخ احمد بن محمد در حالت اشتراک	احمد بن محمد سیاری	احمد بن محمد خالد برقی	احمد بن محمد عیسی
ابن ابی عمیر [۳۱، ج ۱، ص ۶۵]	ابن ابی عمیر [۶۰، ص ۱۹]	با واسطه پدرش از ابن ابی عمیر [۸۶، ج ۱، ص ۱۱۰]	ابن ابی عمیر [۸۶، ج ۱، ص ۱۴۷]
حسن بن محبوب [۲۹، ج ۱، ص ۱۱۵]	حسن بن محبوب [۶۰، ص ۴۷]	حسن بن محبوب [۸۶، ج ۱، ص ۱۵۴]	حسن بن محبوب [۸۶، ج ۱، ص ۳۶]
ابن فضال [۶۵، ج ۱، ص ۱۸۰]	بن فضال [۶۰، ص ۶۶]	ابن فضال [۸۶، ج ۱، ص ۱۶۳]	ابن فضال [۸۶، ج ۱، ص ۱۱]
صفوان بن یحیی [۸۶، ج ۱، ص ۳۲۱]	صفوان بن یحیی [۶۰، ص ۲۱]	با واسطه از صفوان بن یحیی [۸۶، ج ۱، ص ۵۴۳]	صفوان بن یحیی [۸۶، ج ۱، ص ۳۸۳]
حماد بن عیسی [۸۶، ج ۳، ص ۱۰۶]	حماد بن عیسی [۶۰، ص ۶۱]	حماد بن عیسی [۸۶، ج ۱، ص ۴۲]	حماد بن عیسی [۸۶، ج ۱، ص ۴۰]
محمد بن علی [۶۵، ج ۱، ص ۵]	محمد بن علی [۶۰، ص ۶۷]	محمد بن علی [۸۶، ج ۱، ص ۷۴]	محمد بن علی [۷۷، ج ۱، ص ۳۰۲]
علی بن الحکم [۲۹، ج ۱، ص ۱۱۳]	علی بن الحکم [۶۰، ص ۱۲]	علی بن الحکم [۸۶، ج ۱، ص ۱۶۴]	علی بن الحکم [۸۶، ج ۱، ص ۳۷۷]
یونس بن یعقوب [۶۷، ج ۳، ص ۸]	یونس بن یعقوب [۶۰، ص ۶۶]	با واسطه از یونس بن یعقوب [۸۶، ج ۲، ص ۲۴۸]	یونس بن یعقوب [۴۴، ص ۱۲۲]

جدول مقایسهٔ راویان «أحمد بن محمد»، در حالت اشتراک با حالت عدم اشتراک

تعیین نام احمد بن محمد	احمد بن محمد سیاری	احمد بن محمد خالد برقی	احمد بن محمد عیسی
نام راوی احمد بن محمد در حالت اشتراک			
محمد بن یحیی [۸۶، ج ۱، ص ۱۲]	محمد بن یحیی [۱۹، ص ۴۰۰]	محمد بن یحیی [۸۶، ج ۲، ص ۵۰۹]	محمد بن یحیی [۸۶، ج ۱، ص ۱۱]
محمد بن احمد [۸۶، ج ۲، ص ۵۳]	محمد بن أحمد [۸۶، ج ۱، ص ۳۶۹]	محمد بن احمد با واسطه [۸۶، ج ۸، ص ۳۶۰]	محمد بن احمد [۸۶، ج ۱، ص ۱۹۷]
معلی بن محمد [۸۶، ج ۱، ص ۱۹۳]	معلی بن محمد [۸۶، ج ۱، ص ۱۴]	-----	معلی بن محمد با واسطه [۸۶، ج ۸، ص ۲۱۹]
الحسین بن محمد [۸۶، ج ۱، ص ۱۳۰]	الحسین بن محمد [۸۶، ج ۵، ص ۳۳۶]	الحسین بن محمد [۸۶، ج ۲، ص ۳۴۴]	الحسین بن محمد با واسطه [۸۶، ج ۶، ص ۳۴۷]
احمد بن القاسم [۲۲، ص ۶۰۳]	احمد بن القاسم [۲۸، ص ۴۵۰]	احمد بن القاسم [۲۲، ص ۶۰۰]	احمد بن القاسم در بین راویان وی نیست
علی بن محمد بن بندار [۸۶، ج ۱، ص ۳۱۷]	علی بن محمد بن بندار [۸۶، ج ۵، ص ۳۴]	علی بن محمد بن بندار [۸۶، ج ۵، ص ۳۲۸]	علی بن محمد بن بندار در بین راویان وی نیست.
عبدالله بن جعفر [۷۷، ص ۱۲۶]	عبدالله بن جعفر [۸۶، ج ۶، ص ۵۲۳]	عبدالله بن جعفر در بین راویان وی نیست.	عبدالله بن جعفر [۴۶، ص ۳۱۷]
احمد بن ادريس [۷۸، ج ۱، ص ۲۰۴]	احمد بن ادريس [۸۹، ج ۶۳، ص ۱۵۴]	احمد بن ادريس [۵، ص ۳۹]	احمد بن ادريس [۸۶، ج ۱، ص ۹۶]

نمونه اول: در یکی از طرق سیاری در کتاب *القراءات* چنین است: «أحمد بن محمد بن سیار، عن علی بن الحکم، عن سعد بن عمر الجلاب عن ابی عبدالله» [۶۰، ص ۱۳]؛ همین طریق در کتاب *بصائر الدرجات* با نام «أحمد بن محمد» بدون ذکر کلمه سیاری آمده است: «حدثنا أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن محمد بن الفضیل عن سعد أبی عمرو الجلاب عن أبی عبدالله ع» و اتفاقاً روایتی که در *بصائر الدرجات* بیان شده روایتی مشتمل بر غلو و علم الحروف است.

نمونه دوم: در کتاب *القراءات* سیاری آمده است: «أحمد بن محمد بن سیار عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن عذافر عن جعفر بن الطیار» [۶، ص ۹۸] و در کتاب

بصائر هم چنین آمده است: «حدثنا أحمد بن محمد بن محمد بن محمد بن إسماعيل عن محمد بن عذافر عن عبدالله بن سنان عن بعض أصحابنا عن أبي جعفر (ع)» [۶۵، ج ۱، ص ۳۸۲]؛ این روایت در مورد تفویض، از موضوعاتی است که مورد سوءاستفادهٔ غلات قرار گرفته است. در اینجا نیز باید احتمال سیّاری بودن «أحمد بن محمد» بررسی شود.

نمونه سوم: در *القراءات* روایاتی آمده است که هنگامی که مؤمن می‌میرد مواضع سجودش بر وی گریه می‌کنند [۶۰، ص ۱۳۵] و در کتاب *قرب الاسناد حمیری*، نیز چنین آمده است: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد...»؛ «هنگامی که مؤمن می‌میرد، بقاعی که در آن خداوند را عبادت کرده، بر او گریه می‌کند» [۴۵، ص ۳۰۳]. بنابراین اگر این روایت هم از طریق سیّاری وارد شده است و هم در منبعی دیگر با نام مشترک أحمد بن محمد، نقل شده، باید احتمال سیّاری بودن «أحمد بن محمد» مورد بررسی قرار بگیرد.

نمونه چهارم: با مقایسهٔ اسناد مختلف در روایات کتب حدیثی متقدم که به نام سیّاری تصریح شده، می‌توان دریافت که احتمال تثبیت اسناد دیگر با عنوان «أحمد بن محمد سیّاری» وجود دارد. به عنوان مثال وقتی «علی بن محمد بن بندار» در اسنادی از سیّاری نقل کرده است مانند: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بَنْدَارٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع» [۸۶، ج ۶، ص ۵۰۶]، با وجود این تصریح در سند، چگونه می‌توان جایی که «أحمد بن محمد» به صورت مشترک ذکر شده است، احتمال سیّاری بودن «أحمد بن محمد» در چنین سندی: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بَنْدَارٍ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ، ...» [۸۶، ج ۱۲، ص ۴۴۲] ... را منتفی دانست و یا وقتی در اسنادی «معلی بن محمد» از «سیّاری» نقل روایت کرده است مانند: «حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ السَّيَّارِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ..» [۶۵، ج ۱، ص ۱۴]، چگونه در جایی که «أحمد بن محمد» به صورت مشترک ذکر می‌شود، «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ...» [۸۶، ج ۴، ص ۵]، می‌توان احتمال سیّاری بودن «أحمد بن محمد» را منتفی دانست.

ب) راهکارهای متنی

همان‌گونه که در تحلیل شخصیت سیّاری گفته شد، از آنجا که وی از جمله غالیان بوده، از بین راویان مشترک با عنوان «أحمد بن محمد» در طبقهٔ سیّاری، تنها وی متهم به غلو

و فساد مذهب است. بنابراین در چنین مواردی طبیعتاً با توجه به موضوع روایت، باید این احتمال، مورد توجه باشد.

البته باید توجه داشت بسیاری از روایات که در آن مفاهیم غالیانه خلط شده است، ممکن است به نظر ایشان مشتمل بر غلو نبوده باشد، زیرا مرزهای تشخیص غلو، مسئله-ای روشن نبوده، و در آن زمان در نزد برخی، تنها روایاتی که صراحت بر تناسخ، الوهیت، حلول یا تفویض داشته، غالیانه به شمار می‌آمده است.^۱ بنابراین باید در روایات سیاری با دیده احتیاط نگریست. مثلاً «أحمد بن محمد بن یحیی» تصریح می‌کند، پدرش روایاتی از «أحمد بن محمد بن سیار» را که مشتمل بر غلو و تخلیط نبوده و کتاب نوادر وی را نقل کرده است [۷۹، ج ۱، ص ۱۵۰]، ولی باید این مطلب را در نظر داشته باشیم که **اولاً**: شاید تشخیص روایات مشتمل بر غلو به درستی انجام نشده باشد؛ **ثانیاً**: روایات سیاری تنها از طریق محمد بن یحیی، منتقل نشده، بلکه دیگران هم روایات سیاری را نقل کرده‌اند؛ **ثالثاً**: طبق تصریح احمد بن محمد بن یحیی کتاب نوادر وی به صورت کلی نقل شده است که هم مشتمل بر روایات غالیانه و هم روایات معتبر بوده است.^۲

یکی از راه‌کارهای متنی توجه به وجود ویژگی‌های غلو در روایات منقوله از طریق أحمد بن محمد است، یکی از شاخص‌های مذاهب باطنی، اباحی‌گری و تأکید بر ظاهری بودن احکام است [۳۴، ص ۷۱]. روایتی دالّ بر این موضوع، از طریق «أحمد بن محمد»، به صورت مشترک آمده است، همین روایت در کتاب *القراءات* سیاری نیز با همین سند آمده است. این یک مستند مهم است که نشان می‌دهد صفار در *البصائر* نام سیاری را به

۱. تعیین مرزهای یک روایت غالیانه در سده سوم و چهارم هجری، امری اتفاقی نبوده است، چنانچه نمونه این اختلاف نظر در منازعه بین أحمد بن محمد بن خالد برقی و أحمد بن محمد بن عیسی اشعری، قابل ملاحظه است [۶۷، ج ۱۰، ص ۴۳]. توضیح آنکه راوی موثقی چون، احمد بن محمد بن خالد برقی، اگر علم به غالیانه بودن روایتی داشت، با توجه به روایات محکمی که دلالت بر کفر غالی می‌کند [۸۶، ج ۲، ص ۳۹۱]، هرگز این روایات را نقل نمی‌کرد، ولی وی، در عین حال از جانب أحمد بن محمد بن عیسی اشعری، متهم به نقل روایات غلات شده است. این نمونه خود به تنهایی نشان‌گر اختلاف نظر محدثان قمی و کوفی در مورد تشخیص مرزهای روایات مشتمل بر غلو بوده است.

۲. عن أحمد بن محمد بن یحیی، قال: حدثنی أبی، قال: حدثنا السیاری، إلا بما کان فیه من غلو و تخلیط. و أخبرنا بال نوادر و غیرها، جماعة من أصحابنا، منهم الثلاثة الذین ذکرناهم، عن محمد بن أحمد بن داود، قال: حدثنا سلامة بن محمد، قال: حدثنا علی بن محمد الجبائی، قال: حدثنا السیاری [۵۰، ج ۳، ص ۷۲].

صورت احمد بن محمد نقل کرده است.^۱

نتیجه‌گیری

۱. بررسی شخصیت سیاری به مثابه یک شخصیت تاریخی، نشان می‌دهد، وی یک راوی فعال و پرکار در جهت اجرای سیاست‌های کلی حکومت مأمون عباسی در بوم‌های مختلفی از جامعه اسلامی در بین شیعه و اهل سنت، به کار گرفته شده است. وی یک رهبر باطنی بوده است که به‌سان برخی دیگر از غلات مانند: محمد بن نمیر، حسین بن حمدان خصبی، محمد بن سنان، ...، به دنبال نشر اعتقادات خرافی، باطنی و غالیانه و در نتیجه انحراف اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه شیعی، همچنین ورود و تأثیرگذاری بر گفتمان اندیشه علماء شیعه بوده است.

۲. وی به دلیل حرفه کتابت و در اختیار داشتن کتب حدیثی بسیار، در جامعه‌ای که بهره‌اندکی از ابزار کتابت و نسخ حدیثی داشته است، توانسته مقبولیت و فرصتی برای نشر اعتقادات خود از طریق درج اندیشه‌های غالیانه در متون حدیثی به‌دست آورد. یکی از راهبردهای مهم وی، استفاده از نام مشترک احمد بن محمد و سوء استفاده از خوشنامی و وثاقت مشایخ معاصرش، أحمد بن محمد بن خالد برقی و أحمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی بوده است. وی توانسته روایات خود را با استفاده از طرق معتبر ایشان در برخی کتب حدیثی وارد کند.

۳. مقایسه طرق أحمد بن محمد بن سيار، با طرق أحمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی و أحمد بن محمد بن خالد برقی نشان داد، در مواردی که نام أحمد بن محمد به صورت مشترک آمده است، به‌ویژه در جایی که متن روایت دارای تفرد و

۱. در کتاب *بصائر الدرجات*، چنین آمده است؛ «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي وَهَبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْجَوْرِ وَ جَمِيعُ مَا أَحَلَّ مِنَ الْكِتَابِ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْحَقِّ» [۶۵، ج ۱، ص ۳۳]. همین مطلب از طریق سیاری، در کتاب *القراءات* وی، به این سند و متن رسیده است: «مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي وَهَبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْجَوْرِ وَ جَمِيعُ مَا أَحَلَّ مِنَ الْكِتَابِ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُمَّةُ الْحَقِّ» [۶۰، ص ۵۵].

همچنان نشانه‌هایی از غلو در آن است، حتماً بایستی احتمال سیّاری بودن أحمد بن محمد مورد بررسی قرار گیرد و وصف سند صحیح یا موثق در چنین مواردی، نمی‌تواند ارزیابی رجالی صحیحی برای این اسناد باشد.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابطحی، سید محمد علی (۱۴۱۷). تهذیب المقال. قم، سید محمد علی ابطحی.
- [۳]. ابن ابی حاتم، ابن ابی حاتم رازی (۱۹۵۲). الجرح و التعديل. بیروت، دار إحياء التراث.
- [۴]. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۶۴). الكامل. بیروت، دار صادر.
- [۵]. ابن بابویه، محمد بن بابویه (۱۳۷۶). الامالی. تهران، کتابچی.
- [۶]. ----- (۱۴۰۶). ثواب الاعمال. قم، دار شریف رضی.
- [۷]. ----- (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا. تهران، نشر جهان.
- [۸]. ابن تغری بردی، یوسف بن تغری (۱۳۹۲). النجوم الزاهرة. قاهرة، وزارة الثقافة.
- [۹]. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۶). مجموعة الفتاوى. منصورى، دارالوفاء.
- [۱۰]. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الملوك. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۱۱]. ابن حبان، محمد بن حبان (۱۹۷۳). الثقات. هند، دائرة المعارف العثمانیة.
- [۱۲]. ابن حجر، ابن حجر عسقلانی (۱۳۲۶). تهذیب التهذیب. هند، مطبعة دائرة المعارف.
- [۱۳]. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸). تاریخ ابن خلدون. بیروت، دار الفکر.
- [۱۴]. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۱۳۶۳). منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الحسان. تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۵]. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ دمشق. بیروت، دار الفکر.
- [۱۶]. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲). الرجال. قم، دار الحدیث.
- [۱۷]. ابن قیسرانی، محمد بن طاهر (۱۴۱۱). المؤلف و المختلف. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۸]. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). البداية و النهاية. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۱۹]. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). المزار الكبير. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۰]. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲). مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر. ریاض، دارالفکر.
- [۲۱]. ابن ماکولا، سعد المل (۱۴۱۱). الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف و المختلف. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۲۲]. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲). منهج المقال. قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۲۳]. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن (۱۴۱۵). عدة الرجال. قم، اسماعیلیان.

- [۲۴]. امین، حسن (۱۴۰۹). اعیان الشیعة. بیروت، دار التعارف.
- [۲۵]. آبی، منصور بن حسین (۱۴۲۴). نشر الدرر فی المحاضرات. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۲۶]. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶). ترکستان‌نامه. مترجم: کشاورز، تهران، انتشارات آگاه.
- [۲۷]. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی (۱۳۶۳). الفوائد الرجالية. تهران، انتشارات دانشگاه امام‌صادق(ع).
- [۲۸]. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم، مؤسسهٔ بعثت.
- [۲۹]. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم، دارالکتب الاسلامیة.
- [۳۰]. بریری، خالد محمد احمد (بی‌تا). الحیاة السیاسیة و الاجتماعیة فی عصر الخلیفة المأمون. قاهرة، جامعه عين شمس.
- [۳۱]. بروجردی، حسین (۱۴۰۹). جامع احادیث شیعه. قم، چاپخانه مهر.
- [۳۲]. بسام، مرتضی (۱۴۲۶). زبدة المقال من معجم الرجال. بیروت، دار المحجة البيضاء.
- [۳۳]. بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۳۴]. بغدادی، عزالدین بن محمد (۲۰۱۴). النجاه من اجل الغلاہ. بغداد، مکتبه الرسول الامین.
- [۳۵]. بوعجیلہ، ناجیہ (۲۰۱۵). الاختلاف و سیاسة التسامح ... البرامکة و المأمون. بیروت، المركز الثقافی العربی.
- [۳۶]. تبریزی، جواد (۱۴۲۹). الموسوعة الرجالية. قم، دارالصدیقة الشهیدة.
- [۳۷]. تقی‌الدین حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲). الرجال. تهران، دانشگاه تهران.
- [۳۸]. جاحظ، عمرو بن عمر (بی‌تا). الرسائل السیاسیة. بیروت، دارالهلال.
- [۳۹]. جلو، خضر الیاس (۲۰۱۷). اليهود فی الشرق الاسلامی. سوریه، صفحات للدراسات و النشر.
- [۴۰]. حاج جاسم، سامی حمود (۲۰۱۷). المنهج التاریخی فی کتابی العلامة الحلی و ابن داود فی علم الرجال. بغداد، دار الکفیل.
- [۴۱]. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (بی‌تا). كشف الظنون. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۴۲]. حبیبی، عبدالحی (۱۳۸۰). تاریخ افغانستان بعد اسلام. تهران، انتشارات افسون.
- [۴۳]. حسینی، بی‌بی زینب (۱۳۹۶). «نگرش تاریخی به روایات قرائت اهل بیت (ع)»، حدیث پژوهی، شماره ۱۸، صص ۷-۳۸.
- [۴۴]. حلی، حسن بن یوس (۱۴۱۱). ایضاح الاشتباه. قم، جامعهٔ مدرسین.
- [۴۵]. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد. قم، مؤسسهٔ آل‌البتیت (ع).
- [۴۶]. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). کفایة الأثر. قم، بیدار.
- [۴۷]. خطاب، محمود شیث (۱۴۱۸). قادة الفتح الاسلامی فی بلاد ماوراءالنهر. بیروت، ابن حزم.
- [۴۸]. خطیب بغدادی، ابوبکر (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- [۴۹]. خواجویی، اسماعیل بن محمد حسین (۱۴۱۳). الفوائد الرجالية. مشهد، آستانهٔ رضویه.

- [۵۰]. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). معجم رجال الحدیث. بی‌جا، بی‌نا.
- [۵۱]. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الاسلام. التدمیری، دارالکتب العربی، بیروت.
- [۵۲]. ----- (۲۰۰۳). تاریخ الاسلام. البشار، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- [۵۳]. ----- (۱۴۰۵). سیر اعلام النبلاء. بیروت، الرساله.
- [۵۴]. رحیمیان، سعید (۱۳۸۱). «نگاهی به پژوهشی در نسبت دین و عرفان». قبسات، شماره ۲۴، صص ۱۳۲-۱۴۷.
- [۵۵]. رفاعی، احمد فرید (۲۰۱۲). عصر المأمون. مصر، هنداووی.
- [۵۶]. ساعدی، حسین (۱۴۲۶). الضعفاء. قم، دار الحدیث.
- [۵۷]. سالم، عبدالرحمن احمد (بی‌تا). «الاتصال ثقافی بین الخلافة العباسیة و الامبراطور البيزنطیة فی عصر المأمون». کلیة دار العلوم، شماره ۱۸، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- [۵۸]. سبط الشهید، محمد بن حسن (۱۳۷۷). استقصاء الإعتبار. مشهد، مؤسسه آل‌البيت (ع) لاحیاء التراث.
- [۵۹]. سلمی، محمد بن صامل (۱۴۰۶). منهج کتابه تاریخ الاسلامی. مکه، دارالرساله.
- [۶۰]. سیاری، احمد بن محمد (بی‌تا). القراءات. تحقیق: اتان کلبرگ، بی‌تا، دارسفر.
- [۶۱]. شبیری زنجانی، محمد جواد (۱۴۲۹). توضیح الاسناد المشکله فی الکتب الاربعه. قم، دارالحدیث.
- [۶۲]. شرف، ا.د. محمد یاسر (۲۰۰۹). تدوین الثقافه العربیة. دمشق، وزارة الثقافه.
- [۶۳]. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰). قاموس الرجال. قم، جامعه مدرسین.
- [۶۴]. شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۳۹۰). الحبل المتین فی احکام الدین. قم، بصیرتی.
- [۶۵]. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. قم، مکتبه المرعشی.
- [۶۶]. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۳۲). جامع المقال. تهران، کتابفروشی جمهوری.
- [۶۷]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الحکام. تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- [۶۸]. ----- (۱۴۲۰). فهرست کتب الشیعه. قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
- [۶۹]. طهرانی، آقا بزرگ (بی‌تا). الذریعة الی تصانیف الشیعة. بیروت، دار الاضواء.
- [۷۰]. عسگری، مرتضی (۱۴۱۶). القرآن الکریم و معالم المدرستین. تهران، مجمع الاسلامی.
- [۷۱]. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲). رجال العلامة الحلی. قم، نشر الشریف الرضی.
- [۷۲]. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله (۱۴۱۲). بهجة الآمال. تهران، بنیاد کوشان پور.
- [۷۳]. عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۲۰۰۷). النصیحه المعروفه باسم قابوس نامه. قاهره، دارالشروق.
- [۷۴]. فحام، علی عبدالزهرة (۱۴۴۰). «السیاری و کتاب القراءات». نشریة قرائت، شماره ۴، ص ۵۷.
- [۷۵]. رایمن، آیرن (۱۳۸۶). «زندگی نامه حسین بن حمدان خصیبی»، هفت آسمان. شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۱۷۰.
- [۷۶]. فنتن، پال (۱۳۷۷). «دین یهود و تصوف»، مترجم: منصور معتمدی، نامه فرهنگ، شماره ۲۹، صص ۱۱۸-۱۲۸.

- [۷۷]. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). قصص الانبياء. مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۷۸]. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر علی بن ابراهیم. قم، دار الكتاب.
- [۷۹]. قهپایی، عنایة الله (۱۳۶۴). مجمع الرجال. قم، مؤسسة اسماعیلیان.
- [۸۰]. قیروانی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۷). زهر الآداب و ثمر اللباب. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۸۱]. کاظمی، محمدامین (۱۴۰۵). هداية المحدثین الی طریقة المحدثین. قم، مکتبة المرعشی.
- [۸۲]. کحاله، عمر رضا (۱۳۷۶). معجم المؤلفین. دمشق، مکتبة الترقی.
- [۸۳]. کرمی، محمد بن احمد (بی‌تا). احسن التقاسیم. بیروت، دار صادر.
- [۸۴]. کشی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). اختیار معرفة الرجال. قم، مؤسسة آل البيت (ع).
- [۸۵]. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم (۱۴۲۲). الرسائل الرجالية. قم، مؤسسة علمی فرهنگی دارالحديث.
- [۸۶]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- [۸۷]. کوبرسون، مایکل (۲۰۰۵). فن السیرة فی العربیة فی عصر المأمون. مترجم: مکی، قاهرة، دارالثقافة.
- [۸۸]. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱). تنقیح المقال. قم، مؤسسة آل البيت (ع).
- [۸۹]. مجلسی، محمداباق (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۹۰]. مزی، یوسف (۱۴۰۶). تهذیب الکمال. بیروت، مؤسسة الرسالة.
- [۹۱]. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۴). مروج الذهب. قم، منشورات دارالهجره.
- [۹۲]. مظاهری، حسین (۱۴۲۸). الثقافات الاخيار من رواة الاخيار. قم، مؤسسة الزهراء.
- [۹۳]. ممتحن، حسین بن علی (۱۳۵۷). «نقش ایرانیان در تنظیم دیوان‌ها در سرزمین اسلامی». بررسی تاریخی، شماره ۲، صص ۱۳-۵۲.
- [۹۴]. موسی، علی حسن (۲۰۰۹). الستر و التقیة فی تاریخ الاسماعیلیة. دمشق، نشر نینوی.
- [۹۵]. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). رجال النجاشی. قم، جامعة مدرسين.
- [۹۶]. نظام الملک، حسن بن علی (۱۴۲۸). سیرالملوک. بیروت، دارالمناهل.
- [۹۷]. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴). مستدرکات علم الرجال. تهران، فرزند مؤلف.
- [۹۸]. نوری، حسین بن محمد (۱۴۲۹). مستدرک الوسائل. بیروت، مؤسسه آل البيت (ع).
- [۹۹]. نووی، یحیی بن شرف (بی‌تا). تهذیب الاسماء و اللغات. بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۱۰۰]. وافی، محمد عبدالکریم (۱۹۹۰). منهج البحث التاريخي فی التدوين. بنغازی، جامعه قاریونس.
- [۱۰۱]. هاشمی، احمد (بی‌تا). جواهر الادب فی ادبیات و انشاءالعرب. بیروت، مؤسسه المعارف.
- [۱۰۲]. هواره، محمد مصطفی (۲۰۰۰). المأمون خليفة العالم. اسکندریة، دار المصرية.

